

نمایش نامه (جشن تکلیف) یا چادر نماز چه پاکه

بازیگران:

قوی سفید

روباه

کلاغ سیاه

فرشته

قاری قرآن خوش صدا

دو دختر معتاد

سه دانش آموز

امکانات مورد نیاز

ماسک روباه - ماسک کلاغ - ماسک قوی سفید - ماسک فرشته

(با کاغذ هم می توان ساخت)

بسم الله الرحمن الرحيم

یک قسمت صحنه بازی بلند تر و در یک پله پایین تر تعدادی دانش آموز دختر نشسته اند اجرا می گردد...

صحنه اول

قوی سفید :

دختر های مهربان

سلام سلام عزیزان

همراه جمع این ها

کلاس سومی ها

چادر مادر سفیدها چرا جمع شدید اینجا

دلها تانم سفیده در این صورت مفیده

بچه ها : در پایان این نه سال رسیده ایم به ده سال

آفرین بر همه تان با این سن کمتان

اگه گفتید من کیم؟ یک صدا و با هم

بچه ها: تو قویی.

قو: یعنی چه ام

بچه ها: سفیدی مفیدی

بی بی بی -تو خوبی

قو: من دو ستی پاکی هایم

بچه ها: تو دشمن هر بدی

قو: دقیقاً به خال زدی

تا حال دعوت نداشتید

هر چه درخت می کاشتید

هر چه دعا می خواندید

روز جشن تکلیفه

حالا دیگه دعوته

این بهترین ثروته

بچه ها: دعوت کی؟

قو

دعوت باغبانی که داده ما را جانی

که آفریده هستی پا داده و دو دستی

روح داده و جان داده کتاب قران داده

دعوت کرده به نماز کتاب راز و نیاز

چیزهای خوب نوشته فرستاد با فرشته

.

کلاغی قار قار کنان وارد صحنه می شود

چه خبره چه خودشان را تحویل می گیرند، این که قوه نگاه دماغش

اینم بچه مچه ها و می خندد

ویلان میلان ها اینجا چه کار می کنید بلند شوید بروید خانه یا الله

و در حال چرخیدن در بین بچه ها با قار قار و نوک زدن به بچه ها جلب توجه و خنده ایجاد می کند

و ار جیب یک بچه چیزی می دزد و جلو می ایستد و روباهی هم وارد می شود

منم منم عزیزان دوست دوست دوستان

قو: خطر خطر صد خطر از هر دو تا الحذر

کلاغ: قار قار جو می سازی کلاغی

کلاغ: چی گفتی؟ اشتباه تلفظ می کنی

من کیم بچه ها:

بچه ها: کلاغ سیاه الاغ سیاه

روباه : وای چه خوب می شناسنش (قاه قاه می خندد)

کلاغ: قرارمان این نبود روبی جان مکار (و یک نوک حسابس به روباه می زند و

صدای وای وای روباه در می آید)

روباه: دست خودم نبود احساسات صادقانه درونی بود

اشتباه بود لو رفتی.

کلاغ : (آهسته) حالا بین چطور گولشان می زنم خیال نکنی تو فقط مکر

بلدی روبلی

روباه: روبلی چیه کلاغی

کلاغ:

روبلی همان روباه

دوست کلاغ سیاهه

کلاغ:

منم یه دعوت دارم

با معاون (اشاره به روباه) کنارم

روباه : منم روباه دوستان

قاتل موش بوستان

من دوست بچه هایم

چاکر جوجه هایم

نوکر هر خروسم

حاضرم پاش ببوسم

کلاغ : اگه گفتید این کیه؟
 بچه ها: این روباه مکاره یه عالم حقه داره
 کلاغ : نگاه نکن شعارش یه وقت نیاید کنارش
 راهش ندهید به خانه حمله کند به لانه

روباه: داشتیم کلاغی
 کلاغ: دست خودم نبود احساسات صادقانه درونی بود
 البته چیزی که عوض داره گله نداره روبلی موبلی (خنده کلاغی می کند)
 روباه ول کن بابا بیا متحد شویم و گر نه کلاهمان پس معرکس کلاغی جون
 کلاغ: تقصیر تو بود باشه شروع می کنیم.
 کلاغ (رو به بچه ها)

در اون کیفه بازه یه خوردنی نازه
 خودکار اگر نداری می توانی بر داری

L

بچه ها: حرامه
 روباه: حرام دیگه کدامه کیک و ساندیس تو کیفه
 یک خودکار ظریفه
 باباش خیلی پولداره
 دوتا به جاش میذاره
 کلاغ : راست میگه راست می گه یاالله بردارش دیگه

دختر: خجالت داره کلاغ
پیر برو توی باغ

کلاغ دماغ سوخته کنار می کشد

روباه: دماغ سوخته می خریم
آخ چه بویی میاد

کلاغ: بفرما این گوی و این میدان بینم روباه دم دراز تو چی می کنی؟

خوش به حالت کبوتر
روسی نداری بر سر

موهاتان باز بذارید
دراز دراز بذارید

پوش لباس تنگی
لباس خیلی قشنگی

قوی سفید:
صبر کن بینم چی می گی

روباه:
نخود آش و دیگی

قو:
ای روباه مکاره

راهنمای بدکاره(روباه و قو بر دایره گردی می چرخند و می خواهند درگیر شوند)عاقبت

دست به یخه می شوند

بچه ها:
آفرین فتیله پیچش کن.

روباه زمین خورده و کمی ناله می زند

بین قو جان راست می گویی بیا حرف بزنیم اجازه بدهیم بچه ها قضاوت کنند.

قو: باشه روباه اینها دلشان پاکه معلوم می شود.

قوی سفید:
دختران فرشته

حرفش خوبه یا زشته

بچه ها : هم عیبه هم گناهه:

راهش کجه روباهه

دختر ۱: (تحت تاثیر روباه قرار گرفته)

بقیه حرفات بگو

من گوش میدم مو به مو

کلاغ: یه مشتری پیدا شد

از بقیه جدا شد

خوبه خوبه یکی همیکه دختر خوب برو چند تا مثل خودت بیاور (دختر از صحنه بیرون می رود*)

کلاغ: مانتوی تنگ بپوشید

با صد تا رنگ بپوشید

بیرون بذار موی سر

روباه: بازی کنید با پسر

بچه ها : خجالت آی خجالت

روباه : پسر عمه و خالت

کلاغ: رقص بکنید با آواز

با روسری های باز

بچه ها: خجالت آی خجالت

روباه: بابا این قدر امل نباشید

بعداً توبه می کنید.

قو

سه تا دختر با لباس و نامناسب رد می شوند در حالی که کراکی شده اند

اولی: سلام جشن تکلیفها چادر نماز تو کیفها

دختر ۱: عبرت بگیرید از ما آفتادیم گیر روباه

اولش بی حجابی ترک نماز حسابی

بعدش خیابان خوابی

گاهی تو رقص خانه رقص و آواز ترانه

اولی: کمکم دود و اعتیاد دنبال یه لحظه شاد

دختر ۱: ایدزی شدیم و معتاد

هوار و صد هزار داد

لعنت به اون روباهه

با اون کلاغ سیاهه

قو ی سفید: آی دختر پاک پاک آخر راه ناپاک

نماز و حجاب یک سده پایان بد چه بده

(دختر ها با همین حالت با آه و ناله از صحنه بیرون می روند)

کلاغ: حالا آموزش رقص داریم. رقص باعث نشاط می شود

قو: ورزش باعث نشاط می شود- نماز باعث آرامش می شود

روباه: برو بابا اینها تقصیر خودشونه بیش از حد قاطی شدند

قرّ این جور می گیری مردم برای یه قرّ

یه بچه ای قرّ بگیره

بچه ها این طوری قرّ می گیرید کی بلده؟؟؟؟؟؟؟؟

دختر ۲: بلدیم اما زشته

کلاغ: این جوریه ها کمی بالا پایین می پرد

روباهه خیلی به او می خندد.

کلاغ: من خوب بلد نیستم راست می گی خودت برقص ببینم روبی جان

روباه: ببین الان روباه دمش را در دست می گیرد کمی بالا پایین می پرد

کلاغ: بسیار می خندد و او را مسخره می کند

روباه: من و تو اشتباه کردیم ما رقص بلد نیستیم

بیاید بریم یه جایی رقص می کنن صفایی

با موسیقی متال رقص و آواز با حال

قوی سفید:

نه نه من فیلمشان دارم بچه ها

از خون هم می خورند قیافه لولو خرّه ند

مدفوع هم می خورند کثافتند خرخره ند

روباه: عوضش هی می رقصند

قوی سفید: بله شیطان پرسن..

روباه: مگه شیه شیطانو دوست دارن دیگه

قوی سفید:

داره میا فرشته خدا نامه نوشته

سلام جانم فرشته تو نامه چی نوشته

صحنه دوم

با آمدن اسم فرشته کلاغ و روباه ترسیده و فرار می کنند و پشت صحنه پنهان می شوند و گاه گاه صدای مزاحمی در می آورند

فرشته:

سلام گلهای پاکم هدیه دارم تو ساکم

اول بخوان این نامه داخلش چند پیامه

یکی از دختر های قاری قران پاکتی را را گرفته و باز می کند یک قران است و با صوت می خواند و یا (سی دی قرائت قران از سوره نور) آیات پاک بودن چشم و حجاب و.. می خواند و فرشته ترجمه می کند

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ

(۳۱)

و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را (از بی عفتی) حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار از آنان که نمایان است - آشکار ننمایند، و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند (خلاصه مگر برای محرمهایشان)

فرشته: خوب بچه ها توبه تنها راه نجاته البته هر چه آلودگی بیشتر بشه توبه سخت

تره ولی این دخترها هم اگر از خدا کمک بخواهند می توانند. پس حالا فهمیدید؟

بچه ها: ما از اول فهمیدیم مخصوصاً آنچه دیدیم
حالا جواب این سوالاتم بدید..سوالات جشن تکلیف را جواب دهید.
از اینجا با ریتم اجرا می گردد.

جواب بدهید همه کی محرم نامحرمه
پسر عمو در میزنه محرمه یا نامحرمه

در را باز کنیم

بچه ها:: نه نه نامحرمه نامحرمه
فرشته: پسر خاله در میزنه

محرمه یا نامحرمه

بچه ها : نه نه نامحرمه نامحرمه نامحرمه
بچه ها::

فرشته : پسر دایی در میزنه

محرمه یا نامحرمه

بچه ها:: نه نه نامحرمه نامحرمه نامحرمه
فرشته: دایی داره در میزنه

محرمه یا نامحرمه

بچه ها:: محرمه آی محرمه

دکتر داره در میزنه

محرمه یا نامحرمه

نه نه نامحرمه نامحرمه نامحرمه

صدای روباه دروغه دروغه اینها مال عهد بوقه

فرشته: بچه ها جواب روباه چیه

بچه ها: حقه بازه

فرشته: تا بشر غریزه داره این احکام هم نیازه

بچه های خوبم این روباه یعنی بعضی آدمهای حقه باز به دخترها می
توی ماشین. مامانت خانه ما مهمانه گفته برو دخترم بیارگوش می کنید؟

بچه ها: نه نه نه

فرشته: چرا؟

بچه ها: شاید که اون یه دزده

می خواهد ما را بدزده

(یکی از بچه ها): کلاغه هم بد بود

فرشته: جوابش چی بود

یک دختر بچه: من بگم می گفت از کیف بچه خوردنی بر دارید.

بچه ۳: یه شعر میگم:

فرشته: بگو

فرشته: آفرین

دخترها: با آهنگ می خوانند.

مامان جونم که نازه می گفت یه چیز تازه

در کیفی که بازه بگو خانم اجازه

در این کیفه بازه خوردنی داره تازه

چیزی افتاد تو بازی مبدا دست درازی

تحویل بده به دفتر سفید میشی چو کفتر

هر که چیزی پیدا کرد خبر بده مثلِ مرد

فرشته : تشویقش کنید

بچه ها: کف می زنند.

فرشته : منم یه شعر دارم

بچه ها: بخوانید خانم فرشته

فرشته: به شرطی تکرار کنید.

بچه ها : باشه:

مانتو تنگ نپوشیم لباس ننگ نپوشیم

نگاه نکن به قرتی اون دختر زپرتی

مانتوش شکلات پیچه هدف گم کرده هیچه

یکی از بچه ها: خانم فرشته چرا لباس تنگ ننگه خوب بعضی لباس ها تنگه دیگه؟

فرشته: عزیزانم برای آینده میگم ولی از حالا رعایت کنید عادت می کنید

بعدم لباس بدن نما بده بعضی استخوانشانم از زیر لباس پیداست تا چه برسه سینه شان

امام حسین به پیراهن تنگ در کربلا فرمود لباس ذلت است.

این شعر را با هم بخوانیم

تا می تونی بکوشیم حتی گردن بپوشیم

فرشته :

صدای ناله روباه و قار قار کلاغ می آید: وارد جمع بچه ها شده و قار قار می کنند و هدیه به طرف آنها پرت می کنند

یک دانش آموز:

می خوام ما را گول بزنی با هدیه و پول بزنی

فرشته : شما نظرتان چیه بچه ها ؟؟؟؟؟

بچه ها:

امر به معروف می کنیم همه با هم (همه با هم به سوی روباه و کلاغ می روند

فرشته : با چوب کلاغ و روباه را دنبال می کند آن دو فرار کرده پشت بچه ها قایم می شوند و با کمک بچه ها آنها را دستگیر می کنند. و از جیب آنها چند کاغذ بیرون می آورند .

دانش آموز : فرشته جان اجازه هست این کاغذ ها بخوانم

فرشته : بخوان:

دانش آموز: وای بین چه نقشه هایی داشته اند من روم نمیا بخوانم

دانش آموز دیگر هم نگاه می کند و تو صورت خود می زند

فرشته از آنها می گیرید و می خواند: ما باید این دختر ها را از بچگی آلوده کنیم راهش اول ترک نماز است ما در جشن تکلیفشان سرو صدا کنیم تا نماز یاد نگیرند.

باید تشویقشان کنیم تا با پسر ها بازی کنند تا بزرگ شدند عادت کرده باشند.

باید بگویم عیب نداره بعضی وقتها نمازتان قضا بشه

باید ...

فرشته: بچه ها حکم اینها چیه ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

کتک کتک

فرشته: ایجاد فساد در زمین پلیس آهای پلیس :

یکی از بچه ها در نقش پلیس آن دو را دستگیر کرده و از صحنه بیرون می برد

پایان.